

جهت تحول اوضاع سیاسی

هشدار معلمان به "دولت و مجلس"

مبارزات پیگیر معلمان ایران پیوسته اعتلا می‌یابد و گروه‌های بزرگتری از معلمان به مبارزه علنی و متشکل برای تحقق مطالبات خود روی می‌آورند. در ادامه مبارزات چند ماه اخیر، روز پنج‌شنبه ۲۳ دی‌ماه بار دیگر ده‌ها هزار تن از معلمان و بازنشستگان فرهنگی سراسر کشور با فراخوان "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی در صفحه ۳



هزاران تن از کارکنان قوه قضاییه روز ۱۸ دی دردها شهر کشور بطور همزمان تجمعات اعتراضی برپا کردند. این تجمع سراسری، در اعتراض به پایین بودن حقوق‌ها و مخالفت مجلس با افزایش حقوق کارکنان قوه قضاییه که دستکم در ۳۸ شهر برگزار شد، تا چند روز ادامه داشت. مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز ۱۵ دی، با " طرح تعیین فوق‌العاده خاص" کارکنان قوه قضاییه مخالفت کرد. ترمیم و افزایش حقوق، یکی از خواست‌های مهم کارکنان قوه قضاییه در طی چند سال اخیر بوده که علی‌رغم وعده‌های رئیسی رئیس قوه قضائیه و محسنی اژه‌ای رئیس فعلی آن، این خواست تاکنون محقق نشده است. تنها سه روز بعد از مخالفت مجلس با افزایش حقوق کارکنان قوه قضاییه، این کارکنان در بعد سراسری دست به تجمعات خیابانی زدند. البته پیش‌از این نیز کارکنان قوه قضاییه اینجوانجا اعتراضاتی را سازمان داده بودند، تجمعات اعتراضی اخیر اما بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر بود و در جامعه بازتاب به نسبت وسیعی داشت. تجمع کارکنان قوه قضای در مقابل مجلس در روز ۱۹ دی که رئیسی نیز برای بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ در مجلس حضور داشت با شعار "مشکل ما حل نشه، عدلیه تعطیل میشه" و شعارهایی علیه دولت، علیه رئیس مجلس، علیه برخی مقامات قضایی و علیه رئیسی همراه بود.

سیاست‌های اقتصادی طبقه حاکم سفره محقر کارگران و زحمتکشان را هدف گرفته است

در صفحه ۱۰

شرارت‌های جمهوری اسلامی برای رهایی از سرنگونی عمدی هوایمی اوکرائینی

فاصله ۲۵ ثانیه به هوایمی را نشان می‌داد. با آن که از همان فردای سرنگونی هوایمی خبر "احتمال اصابت موشک" در رسانه‌ها شدت می‌گرفت، مقامات جمهوری اسلامی آن را "شایعه"، "دروغ محض"، "سناریوسازی دروغین غرب" "ضد انقلاب" و مزخرفات رایج در جمهوری اسلامی خواندند. تکذیب و پنهان‌کاری‌ها تا سه روز ادامه داشت تا آن که بنا در صفحه ۴

دو سال از سرنگونی هوایمی اوکرائینی با ۱۷۶ سرنشین توسط دو موشک سپاه پاسداران در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۹۸ می‌گذرد. با آن که مقامات جمهوری اسلامی از همان ساعات اولیه از علت اصلی حادثه مطلع بودند، به تکذیب و پنهان‌کاری پرداختند و "سانحه" را به "نقص فنی" و "خطای انسانی" نسبت می‌دادند. روزی از حادثه نگنشته بود که ویدئویی در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد که اصابت دو موشک به

واکنش مقامات دولتی در قبال این اعتراض و تجمع سراسری که در تمام طول حاکمیت جمهوری اسلامی بی‌سابقه بوده است، تماماً حاکی از ناتوانی رژیم در پاسخگویی به معضلات موجود و بن‌بستی است که در آن گرفتار آمده و راهی برای برون‌رفت از آن پیدا نمی‌کند. به‌رغم اذعان و اعتراف مقامات دولتی به پایین بودن سطح حقوق‌ها، اما بودجه‌ای برای رفع این معضل که امروز معضل بزرگ اکثریت حقوق‌بگیران و مزدبگیران است، اختصاص داده نمی‌شود. از یکسو به خاطر سیاست‌های دولت و دزدی‌ها و فساد دستگاه حکومتی و عواقب تحریم‌های چندساله، پولی برای اختصاص به این موضوعات باقی نمانده است از سوی دیگر دولت که می‌داند ماجرا صرفاً به کارکنان قوه قضاییه ختم نمی‌شود، از این وحشت دارد که افزوده شدن حقوق این کارکنان، موجی از اعتراض در سایر بخش‌ها و درمیان سایر کارمندان دولتی برانگیزد. میثم لطیفی رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور و معاون رئیس‌جمهور می‌گوید؛ ما قبول داریم مشکلاتی در این زمینه وجود دارد اما نگرانیم که با افزایش حقوق کارکنان قوه در صفحه ۲

حاکمیت در زمین "سخت" گیر کرده و نهادهایش همدیگر را "شاخ" می‌زنند

جمهوری اسلامی در گرداب بحران‌های عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی غوطه ور است. خزانه دولت خالی، تورم و گرانی غیر قابل کنترل، نهادهای تصمیم‌گیری در مواجهه با خواست‌های مردم سر در گم، جامعه به شدت ملتهب، شکاف در بالایی‌ها تشدید و خشمی تمام عیار سراسر کشور را فرا گرفته است. نارضایتی در ابعاد بی‌سابقه‌ای گسترش یافته، فریاد کارگران و زحمتکشان نسبت به تبعیض و بی‌عدالتی از هر سو بلند شده و اعتراضات توده‌ای مدام در حال افزایش است. در چنین حجمی از تشدید بحران‌ها و گرانی و ورشکستگی سیاسی - اقتصادی طبقه حاکم، ارگان‌های تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی همانند گاوهایی که به هنگام شخم زدن به زمین سخت رسیده باشند، از سر استیصال، ناتوانی و در صفحه ۶

سازمان فدائیان (اقلیت) تهدید جانی علیه اعضای رهبری حزب کمونیست ایران را به شدت محکوم می‌کند

در صفحه ۷

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

جهت تحول اوضاع سیاسی

قضایی، وضعیت به سایر دستگاه‌ها نیز سرایت کند، به اعتراض و ناراضی‌گری و خواست همسان‌سازی حقوق‌ها دامن زند. مظفری رئیس دیوان عدالت اداری نیز ضمن بیان اهمیت دستگاه قضایی و اینکه قضات و کارکنان باید از نظر مالی تأمین باشند می‌گوید به دلیل تحریم‌ها وضعیت کنونی دولت به لحاظ بودجه مطلوب نیست.

اما صرف‌نظر از این واکنش‌ها، واکنش اصلی و برخورد محوری دولت مبتنی بر ارباب و تهدید بود. رئیس دیوان عدالت اداری با این بهانه که دشمن دنبال فروپاشی نظام است و از این‌گونه اعتراضات استفاده می‌کند، معترضین را تهدید کرد و به آنان هشدار داد که "کف خیابان" محل مطالبه‌گری نیست.

تردیدی در این مسئله وجود ندارد که در جمهوری اسلامی دستگاه قضایی از جایگاه مهمی برخوردار است و به بیان مقامات قضایی "حساس‌ترین رکن نظام جمهوری اسلامی" است. پوشیده نیست که قوه قضاییه جایگاه و نقش بسیار مهمی در دستگاه بوروکراتیک دولتی دارد که حافظ منافع طبقه حاکم است. بدیهی است که رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه یعنی جمهوری اسلامی سعی کند به کارمندان دادگستری و قضات و کل دستگاه قضایی بیشتر توجه نموده و رضایت آن‌ها را فراهم کند. اما وقتی که اعتراضی بزرگ و سراسری از درون همین هسته مرکزی سر برمی‌آورد و در تجمعات خیابانی با شعارهای ضد دولتی سر باز می‌کند، نه فقط ناتوانی رژیم در پاسخگویی به نیازهای کارمندان دولتی آشکار و برملا می‌شود بلکه در عین حال از وجود شکاف در دستگاه دولتی نیز پرده برمی‌دارد. شکافی که با پیوستن توده‌های بیشتری از کارمندان و کارکنان دولتی به صف اعتراض، بر عمق آن افزوده خواهد شد.

اعتراض و تجمع سراسری کارکنان دستگاه قضایی این واقعیت را اثبات کرد که مبارزه برای تغییر وضع موجود، اعتصاب و تجمع و اعتراض خیابانی در این لحظه به کارگران، معلمان، بازنشستگان، کشاورزان، رانندگان و امثال آن محدود نمی‌شود. این اعتراضات که پیوسته در حال گسترش است به تدریج به سایر بخش‌های جامعه نیز تسری می‌یابد. مجموعه اوضاع اقتصادی و اجتماعی و شرایط سیاسی جامعه به‌گونه‌ای است که هنوز موج اعتراض و اعتصاب در این یا آن بخش مشخص فرونشسته است که موج بلند دیگری از راه می‌رسد و در تداوم و توالی خویش، افشار بیشتر و جدیدی را به درون خود می‌کشد. تمامی شواهد موجود، این برداشت از اوضاع سیاسی جامعه و جهت‌گیری اصلی آن را تأیید می‌کند و تلاطمات جدی‌تر و عمیق‌تر و تکان‌های بزرگ اجتماعی را در چشم‌انداز قرار می‌دهد.

برای نمونه اگر به مبارزات معلمان و بازنشستگان دست‌کم در یک ماه اخیر نگاهی بیندازیم به روشنی می‌بینیم که اعتراضات و تجمعات سراسری در این ابعاد، که پیوسته در حال افزایش نیز بوده است، در تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی سابقه نداشته است. تعداد معلمان و بازنشستگان و تعداد شهرهایی که

به اعتراض برخاسته‌اند مدام در حال افزایش بوده است. فعالیت‌های سازمان‌گرا و متشکل و مبارزه تشکلهای مستقل معلمان توأم با شعارها و خواست‌های سیاسی و صنفی نیز روبه گسترش است. زنان و مردان با شجاعت و بی‌باکی وارد خیابان‌ها می‌شوند و علی‌رغم احضار و پرونده‌سازی و بازداشت و سرکوب فعالان جنبش اعتراضی معلمان، آنان همچنان در میدان مبارزه ایستاده و نمانده‌اند بلکه گام‌هایی نیز به‌پیش برداشته و اشکال مبارزاتی خود را تنوع بخشیده و ارتقا داده‌اند. هیچ‌کس قادر نیست موقعیت مبارزاتی معلمان را به چهار سال پیش و قبل از دی‌ماه سال ۹۶ برگرداند یا آنان را از "کف خیابان" به گوشه خانه‌ها تبعید کند.

موضوع فقط به مبارزات رشد‌یابنده معلمان یا اعتراضات و اعتصابات وسیع و مکرر کارگری در این سال‌ها خلاصه نمی‌شود که جایگاه جنبش کارگری را در رأس جنبش‌های اجتماعی تثبیت نموده و فرازهای نوینی را در این جنبش گشوده است. علائم و نشانه‌های متعدد دیگری نیز وجود دارند که جمله‌ی شرایط سیاسی پرتلاطم و نارام و اعتراض در حال غلیان موجود در عمق جامعه را به تصویر می‌کشند.

یک نمونه آن قتل بکتاش آبتین عضو کانون نویسندگان ایران و واکنش سریع نویسندگان و آزادی‌خواهان و کل جامعه در قبال آن است. کانون نویسندگان ایران ترسی به خود راه نداد از اینکه این واقعیت را با صدای بلند اعلام کند که "حاکمیت آزادی‌ستیز، بکتاش آبتین را به قتل رساند". اعضای انقلابی و باشهامت کانون نیز به همین سیاق و بدون یک‌لحظه تردید، به‌درستی انگشت اتهام را به سمت حاکمیت نشانه رفتند و از "قتل تبهکارانه بکتاش آبتین توسط جمهوری اسلامی" سخن گفتند. این واژه‌ها و ادبیات مبارز و ستیزنده و رادیکال آن‌هم زیر تیغ یکی از ارتجاعی‌ترین و مستبدترین حکومت‌های جهان، تنها می‌تواند بر بستر شرایط سیاسی متحول و پرتلاطم کنونی عنوان شود و شتاب رسیدن این شرایط به مرحله بالاتر و نهایی را بازتاب دهد.

افزون بر گروه‌ها و احزاب سیاسی چپ و کمونیست، جامعه نیز به‌فوق‌نسبت به این قتل سیاسی واکنش نشان داد. علی‌رغم تهدیدات و کارشکنی دستگاه امنیتی و ایجاد موانع و محدودیت‌های گوناگون برای مراسم خاکسپاری بکتاش آبتین اما شمار قابل‌توجهی از دوستان آبتین و کانون نویسندگان و عموم آزادی‌خواهان و فعالان جنبش‌های اجتماعی، با شور و علاقه در مراسم خاکسپاری وی شرکت کردند و با سردادن شعارهایی چون "درد بر آبتین- مرگ بر ظالمین"، "مرگ بر حکومت آدمکش"، "مرگ بر دیکتاتور" و همخوانی سرودهای خاطره‌انگیز انقلابی بکتاش آبتین را بدرقه کردند. اگرچه شور و غلیان جامعه و جسارت و نترسی مردم را در این شعارها و اجرای ترانه سرودهای انقلابی به‌روشنی می‌توان دید، اما شعار "از سلطان‌پور تا آبتین- مرگ بر ظالمین"، اوج روحیه اعتراضی و موقعیت تعرضی مردم را به نمایش گذاشت و حافظه تاریخی توده‌ها و نفرت آنان از حاکمیت ارتجاعی و ستمگر و قاتلان سعید سلطان‌پور و بسیاری دیگری از رفقا و اعضای کانون نویسندگان ایران را یادآور شد. این شعار نشان داد که انقلابیون کمونیستی چون سعید سلطان‌پور در قلب بزرگ مردم جادارند و

۴۰ سال سرکوب و زندان و خفقان نتوانسته است این معادله را برهم زند. افزون بر این گروه‌هایی از زندانیان سیاسی از جمله زندانیان همبند بکتاش آبتین در زندان اوین و زندانیان سیاسی در زندان تهران بزرگ، در اعتراض به این واقعه، با صدور اطلاعیه یا در تحصن و اعتصاب غذا، قتل بکتاش آبتین توسط جمهوری اسلامی را محکوم نموده و از درون زندان و زیر تیغ دیکتاتوری، فریاد مرگ بر دیکتاتور سر دادند.

نمونه‌های بسیار دیگری را به‌ویژه در مورد برخورد تعرضی مردم نسبت به روحانیون انگل می‌توان به موارد فوق افزود. در شهر قم مرکز تولید و بازتولید آخوند، روز دوشنبه ششم دی‌ماه ۱۴۰۰ یک زن مبارز در پاسخ به مزاحمت یک آخوند مرتجع، ضمن اعتراض شدید و تهاجمی، عمامه وی را بر زمین افکند و زیر پا لگدمال کرد. این نمونه برخوردها در جای‌جای جامعه در حال افزایش است. خیابان‌ها، پیداه‌روها، فروشگاه‌ها، تاکسی‌ها، پارک‌ها و سایر اماکن عمومی روزانه شاهد این‌گونه برخوردهای شجاعانه، تعرضی و تهاجمی اقشار مختلف مردم نسبت به روحانیون است که نقش مهمی در کل حاکمیت داشته‌اند و دارند. ترس مردم از مبارزه آشکار فردی یا جمعی با رژیم حاکم و عوامل آن فروریخته است.

این رویدادها و تحولات سیاسی در پایین، با تشدید بحران و کشمکش در بالا همراه بوده است. ماجرای یکدست شدن حاکمیت رنگ‌بافته است. وعده‌های رئیسی و کابینه وی در عرصه مسائل داخلی یکسره پوچ از کاردرآمده‌اند. بحران اقتصادی ژرف‌تر و تورم و گرانی مرزهای حتی دوره روحانی را نیز پشت سر گذاشته است. اوضاع اقتصادی و معیشتی توده مردم به‌مراتب وخیم‌تر شده است. در عرصه مسائل خارجی نیز سیاست‌های رژیم باشکست و ناکامی روبرو شده است. رهبر حکومت اسلامی که هرگونه مذاکره با دشمن را نفی و تقبیح می‌کرد، به "تعامل با دشمن" روی آورده است. شکست از پی شکست. ناکامی از پی ناکامی.

پیشرفت جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی، گسترش دامنه اعتراضات توده‌ای، شکاف در درون دستگاه سرکوب دولتی را آشکارتر ساخته است. تجمعات اعتراضی کارکنان دستگاه قضایی در ۳۸ شهر که بیان آشکاری از تسری اعتراضات توده‌ای به درون ارگان‌ها و دستگاه دولتی است در عین حال نمود بسیار مشخصی از شکاف درون همین دستگاه است. جامعه در شرایط و موقعیت حساسی قرار گرفته است. در دوران انقلابی که جامعه از دی‌ماه ۹۶ وارد آن شده است و حتی در موقعیت انقلابی که با قیام آبان ۹۸ پدیدار شده است، تحولات سیاسی و مبارزات توده‌ای می‌تواند با زیگ‌زاگ‌ها و افت‌وخیزهایی همراه شود. شرایط سیاسی می‌تواند بسیار حاد باشد و تا بحران همه‌جانبه حکومتی امتداد یابد یا کمتر حاد باشد. اکنون اما عقربه به سمت حادثه شدن در گردش است. مجموعه اوضاع و شرایط و تحولات سیاسی جامعه که به‌اختصار به آن اشاره شد، جز شعلهور شدن اعتراضات و اعتصابات بزرگ‌تر، جز تکان‌های بزرگ اجتماعی زیور و کننده و جز انقلاب، چیز دیگری را در چشم‌انداز قرار نمی‌دهد.

هشدار معلمان به "دولت و مجلس"



همسایه ایران، فاصله‌های طولانی خواهد داشت. با این اوصاف، رژیم حاکم بر ایران همچنان از اجرای مطالبات فوری معلمان به‌ویژه دو مطالبه‌ای که در سرلوحه خواسته‌های آن‌ها قرار گرفته، یعنی "اجرای اصولی و کامل رتبه‌بندی فرهنگیان از بدو استخدام بر مبنای حداقل هشتاد درصد حقوق متناظر اعضای هیئت‌علمی و تعیین منابع بودجه رتبه‌بندی برای سال ۱۴۰۱ بدون قید و شرط" و "اجرای کامل همسان‌سازی بازنشستگان بر اساس قانون مدیریت خدمات کشوری از اول مهرماه ۱۴۰۰" سرباز زده است.

برکسی پوشیده نیست که جمهوری اسلامی هر سال میلیاردها دلار از بودجه کشور را به نهادها و ارگان‌های نظامی، پلیسی، امنیتی، مذهبی و کمک به گروه‌های ارتجاعی اسلام‌گرا در کشورهای دیگر اختصاص می‌دهد. در لایحه بودجه سال آینده نیز علاوه بر افزایش ۲۴ هزار میلیارد تومانی که بر بودجه ۱۲۱ هزار میلیارد تومانی سال جاری نیروهای نظامی افزوده شده، ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون یوروی جداگانه نیز تحت عنوان تقویت به‌اصطلاح بنیه نظامی اختصاص‌یافته است. اما نوبت به اختصاص بودجه لازم به وزارت آموزش و پرورش و تحقق مطالبات معلمان از جمله اختصاص بودجه برای اجرای کامل رتبه‌بندی که می‌رسد، ادعا می‌شود که اعتبار لازم وجود ندارد و تلاش می‌شود با اجرای ناقص این خواست برحق معلمان، تحقق آن را موکول به آینده‌های نامعلوم سازند. درحالی‌که برای اجرای کامل رتبه‌بندی یعنی حداقل هشتاد درصد حقوق اعضای هیئت‌علمی دانشگاه به ۷۰ هزار میلیارد تومان نیاز است، دولت گویا قصد دارد تنها ۲۵ هزار میلیارد تومان برای یک سال به رتبه‌بندی اختصاص دهد و تاریخ اجرای آن را از اول مهر ۱۴۰۰ قرار داده است. به عبارتی دولت تنها ۵ / ۱۲ هزار میلیارد تومان برای رتبه‌بندی در سال ۱۴۰۰ نظر گرفته و وضعیت بقیه آن در سال ۱۴۰۱ نیز مشروط به تأمین اعتبار شده است" در مورد همسان‌سازی حقوق بازنشستگان نیز در شرایطی که تورم روزبه‌روز بازنشستگان را در فقر عمیق‌تری فرو برده است، به‌کلی سکوت کرده‌اند. اما علاوه بر معلمان رسمی، ده‌ها هزار معلم از نمونه معلمان پیش‌دستانی، آموزش یاران نهضت

در صفحه ۵

تشکل‌های معلمان پیوسته قدرتمندتر شده و بر تعداد آن‌ها افزوده شده است. در جریان اعتراضات ۲۳ دی‌ماه، معلمان و بازنشستگان فرهنگی در حدود ۱۰۰ شهر در سراسر ایران به برپائی تجمعات اعتراضی روی آوردند. در این تجمعات، معلمان با سخنرانی‌های پرشور از مطالبات خود دفاع کردند و شعارهایی سر دادند که بازتاب مطالبات آن‌ها بود.

معلم به پا خیز برای رفع تبعیض، وعده زیاد شنیدیم عدالتی ندیدیم. معلم زندانی آزاد باید گردد. اجرای رتبه‌بندی بدون حقه‌بازی. آموزش رایگان حق دانش آموزان، از نمونه شعارهایی بود که در این تجمع‌ها مطرح شد. معلمان همچنین در این تجمعات در سخنرانی‌ها و شعارهای خود از همکاری که هنوز به این جنبش نپیوسته‌اند، خواستند به مبارزاتی که برای تحقق مطالبات عموم معلمان در جریان است، بپیوندند. این مسئله‌ای به‌ویژه حائز اهمیت جدی برای تحقق مطالبات است که صدها هزار معلم به پا خیزند و هم‌زمان دانش آموزان نیز به تجمعات اعتراضی معلمان خود بپیوندند.

این واقعیتی است برهنگان روشن که معلمان و بازنشستگان فرهنگی همچون میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان سراسر ایران، در شرایط مادی و معیشتی وخیمی به سر می‌برند و عموماً زیرخط فقر زندگی خود را سپری می‌کنند. مطابق آمارهای رسمی، متوسط حقوق معلمان حدود ۶ میلیون تومان است و حقوق اغلب معلمان و بازنشستگان به همین مبلغ نیز نمی‌رسد. این در حالی است که خط فقر مدت‌هاست که از ده میلیون تومان فراتر رفته است. بنابراین بسیاری از معلمان برای تأمین



هزینه‌های زندگی، ناگزیرند شغل دومی داشته باشند. این در حالی است که حتی متوسط حقوق ماهانه معلمان در کشورهای همسایه ایران چندین برابر حقوق معلمان ایران است. از متوسط حقوق سالانه بیش از ۳۰۰۰۰ دلار در ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس تا متوسط ۱۸۰۰۰ دلار در عراق. اما متوسط حقوق سالانه معلمان ایران رقمی حدود ۲۵۰۰ دلار است. بنابراین، روشن است که حتی با اجرای کامل مطالبات معلمان از جمله رتبه‌بندی نیز حقوق معلمان ایران در مقایسه با حقوق معلمان در کشورهای

فرهنگیان ایران" در تهران مقابل مجلس و در شهرستان‌ها مقابل اداره آموزش و پرورش، تجمعات اعتراضی برپا کردند. در طول چهار ماهی که از سال تحصیلی جدید می‌گذرد، این پنجمین اعتراض سراسری معلمان برای تحقق مطالباتی است که چندین سال برای آن‌ها مبارزه کرده‌اند.

در پی فراخوان اخیر شورای هماهنگی، این بار نیز به روال گذشته، دستگاه امنیتی و اطلاعاتی رژیم استبدادی جمهوری اسلامی نخست با احضار و تهدید تعدادی از فعالان تشکل‌های صنفی معلمان، تلاش نمود مانع از برپائی تجمع‌های اعتراضی گردد، اما این تلاش‌های ارتجاعی، نتوانست خللی در اراده معلمان به ادامه مبارزه و برپائی تجمع‌ها ایجاد کند.



رژیم جمهوری اسلامی که موجودیتش بر سرکوب و اختناق بنا شده است، در طول چندین ماه اخیر که مبارزه معلمان اعتلای جدیدی یافته، همواره تلاش کرده است با گسیل گله‌های پلیس و مأموران اطلاعاتی و یورش به صفوف معلمان، تجمعات اعتراضی را برهم زند، اما معلمان و بازنشستگان فرهنگی با عزمی استوارتر به مبارزه ادامه داده‌اند. در پی هر فراخوانی از سوی شورای هماهنگی تعداد بیشتری از معلمان به مبارزه متشکل برای تحقق مطالبات خود روی آورده‌اند. نیروهای سرکوب این بار نیز در چندین شهر از جمله در اصفهان، شیراز، مشهد و اهواز تجمعات معلمان را مورد یورش قرار دادند، به ضرب و شتم معلمان متوسل شدند و تعدادی از فعالان تشکل‌های معلمان را بازداشت کردند. با این وجود نتوانستند مانع از برپائی تجمعات گردند.

معلمان در عمل نشان داده‌اند که هیچ تهدید و سرکوب، بازداشت و زندان، تبعید و اخراجی برای متوقف ساختن مبارزات آن‌ها، کارساز نخواهد بود، چراکه این مبارزات برخاسته از مطالبات مبرم صدها هزار معلمی است که سال‌ها برای تحقق آن‌ها مبارزه کرده‌اند.

علاوه بر این، آنچه تداوم قدرتمند این مبارزه را امکان‌پذیر ساخته، سازمان‌یافتگی معلمان در تشکل‌های صنفی است. در جریان این مبارزات،

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

شرارت‌های جمهوری اسلامی برای رهایی از سرنگونی عمدی هواپیمای اوکرائینی

به تأیید کارشناسان و تصاویر ماهواره‌ای و خبرگزاری‌های بین‌المللی جایی برای انکار باقی نماند. سرانجام، در ۲۱ دی "استاد کل نیروهای مسلح ایران" به ناچار در بیانیه‌ای خبر برخورد موشک‌ها، اما، بر اثر "خطای انسانی غیر عمد در تشخیص شیئی پرنده" را تأیید کرد.

با روشن شدن علت واقعی سرنگونی هواپیمای مسافربری، مردم خشمگین از دروغ‌گویی‌ها و پنهان‌کاری‌ها و قتل ۱۷۶ تن در شهرهای مختلف به خیابان‌ها آمدند و علیه مسئولان جمهوری اسلامی شعار دادند. هرچند از همان روزهای اول، بسیاری احتمال سرنگونی عمدی این هواپیما را مطرح می‌کردند، اما بودند بسیاری نیز که این واقعه را هرچند "جنایتکارانه" اما "غیرعمدی" و از روی بی‌لیاقتی و بی‌عرضه‌گی سپاه و سپاهیان می‌دانستند. چرا که با وجود شناخت اکثریت مردم ایران از ماهیت تبهکار و سبزه‌کار جمهوری اسلامی، یافتن منطقی در هدف قرار دادن یک هواپیمای مسافربری و قتل ۱۷۶ تن بسیار دشوار بود. هرچند از همان ابتدا این پرسش مطرح بود که به فرض "خطای انسانی اپراتورها" اصولاً چرا فضای هوایی در شرایط جنگی و در ساعاتی که رژیم قصد موشک‌پرانی به سوی پایگاه آمریکایی عین‌الاسد در عراق را داشته، به روی هواپیماهای غیرنظامی بسته نشده است؟ پاسخ نیز روشن بود: استفاده از هواپیماهای غیرنظامی به عنوان سپر انسانی تا آمریکا نتواند به موشک‌پرانی جمهوری اسلامی واکنشی نشان دهد.

اما اکنون با توجه به گفته‌های ضد و نقیض مقامات و عملکرد رژیم در این دو ساله این احتمال شدت یافته است که اصولاً رژیم با آگاهی و به عمد به این هواپیما شلیک کرده است و مسئله بسی فراتر از استفاده از ۱۷۶ سرنشین هواپیما به عنوان "سپرانسانی" در برابر واکنش نظامی آمریکا بوده است.

حدس و گمانی که اقدامات رژیم از همان روزهای اول به تقویت آن‌ها دامن زده است. با آن که طبق استانداردهای بین‌المللی بایستی محل حوادث و سوانح برای بررسی‌های کارشناسانه دست‌نخورده باقی بماند، مقامات رژیم دستپاچه و بلافاصله با بولدوزر محل حادثه را پاکسازی کردند و بقایای هواپیما را به محل دیگری منتقل کردند. امری که باعث حیرت کارشناسان اوکرائینی نیز شد. پس از آن از دادن وسایل الکترونیکی باقی‌مانده از مسافران مانند تلفن‌های همراه و لپ‌تاپ‌ها به خانواده‌ها خودداری کردند. حافظه برخی وسایل نیز که به خانواده‌ها داده شد، پاک شد. چرا که برخی از اطلاعات ذخیره شده در این وسایل می‌توانست حقایق را درباره حادثه و آخرین لحظات زندگی قربانیان افشا کند. در ۱۸ دی ماه اعلام کردند که جعبه‌های سپاه

هواپیما آسیب دیده‌اند، اما دو روز بعد سازمان هواپیمایی کشوری خبر داد که هر دو جعبه سپاه سالم هستند. با وجود آن که کارشناسان رژیم فاقد مهارت تکنیکی و تجهیزات لازم برای خوانش داده‌های جعبه‌های سپاه بودند، جمهوری اسلامی ماه‌ها از ارسال آن به کشوری دیگر خودداری کرد، تا آن که بر اثر فشارهای خارجی اواخر تیرماه سال بعد، به ناچار آن‌ها را به فرانسه ارسال کرد، البته با این شرط که این اطلاعات به بیرون درز پیدا نکند و حتی با آن که "انجمن خانواده‌های جان‌باختگان" خواستار حضور یک نماینده از سوی خویش در جریان بازخوانی اطلاعات جعبه سپاه شدند، با این درخواست موافقت نشد.

وعده رسیدگی به این پرونده داده شد. تکلیف قوه قضاییه جمهوری اسلامی و نقش آن در "رسیدگی" به پرونده‌های شکایات علیه مقامات رژیم عیان‌تر از آن است که نیازی به توضیح مفصل باشد. گرچه بسیاری از خانواده‌ها به روند "رسیدگی" به شکایت علیه آمران و عاملان این فاجعه در دستگاه قضایی امید می‌نهادند، اما از پای ننشسته و از این امکان نیز بهره گرفتند، شاید که به حقایق درباره روند و علل این جنایت پی ببرند. به گفته خانواده‌ها، متهمان احراز هویت نشده‌اند؛ به شکایات علیه مقامات بالای رژیم اصولاً اعتنایی نشده است. گویا "اپراتوری" به نام "خسروی" در ردیف متهمان قرار دارد که اکنون روشن شده است که فرمانده گردان است و به گفته یکی از خانواده‌ها "متخصص‌ترین فرد در ایران و منطقه در این حوزه". این فرد گفته است که وقتی هواپیما با شلیک موشک اول سقوط نکرد و خلبان در تکاپوی کنترل هواپیما بوده است، بلافاصله موشک دوم را شلیک کرده است. تکلیف برخی از متهمان از هم اکنون روشن است؛ برای نمونه به رغم شکایت علیه حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه، و با وجود "تفهیم اتهام" برای وی قرار "منع تعقیب" صادر شده است. از دادن گزارش کارشناسی به خانواده‌ها و وکلای آن‌ها خودداری می‌شود. تاکنون دو جلسه "دادگاه نمایشی" برای محاکمه به اصطلاح متهمان این پرونده برگزار شده است، اما خانواده‌ها این "دادگاه نمایشی" را نپذیرفته‌اند. روز ۳۰ آبان سال جاری، شماری از خانواده‌های جان‌باختگان با تجمع در مقابل دادگاه نظامی در تهران، با شعارهایی مانند "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "مرگ بر خامنه‌ای" مخالفت خود را با این دادگاه نمایشی نشان دادند. هم‌زمان با برگزاری جلسه دوم نیز در روز ۷ آذر خانواده‌ها در محاصره نیروهای امنیتی بار دیگر با شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر جنایتکاران"، "مرگ بر سپاه" و "مرگ بر حاجی‌زاده" و "مرگ بر شمخانی" تجمع کردند.

خانواده‌های جان‌باختگان پرواز ۷۵۲ هواپیمای اوکرائینی در حالی به اعتراضات خود ادامه می‌دهند که از همان روزهای اول تحت فشار قاتلان عزیزان‌شان قرار داشتند. این قاتلان به‌رغم "پذیرش مسئولیت" در سرنگونی هواپیمای مسافربری، به جای شرم، تلاش کردند خود را "صاحب‌عزا" نشان داده و مراسم خاکسپاری خانواده‌ها را به تصرف خود درآورند که با مقاومت بسیاری از خانواده‌ها روبرو شدند. به گفته برخی از خانواده‌ها، رژیم حتی از تحویل پیکر کامل برخی از قربانیان جنایتش خودداری کرده است. در راه برگزاری مراسم سوگواری خانواده‌ها کارشکنی‌های بسیار انجام شده است، از جمله چند روز پیش که گردهمایی خانواده‌ها در محل سقوط هواپیما به مناسبت دومین سالگرد سرنگونی هواپیما با پرواز هلی‌کوپتر بنیاد شهید در ارتفاع پایین بر هم زده شد. پس از این مراسم نیز چند تنی از خانواده‌ها برای ساعاتی دستگیر شدند. حتی خانواده‌های مقیم خارج از کشور نیز از آزار و اذیت و تهدید مأموران جمهوری اسلامی در امان نمانده‌اند.

هم‌زمان با تمامی اقدامات سرکوبگرانه، و به رغم داغ عزیزان از دست‌رفته‌شان، جمهوری اسلامی طلبکار این خانواده‌ها نیز شده است. کاظم صدیقی امام جمعه تهران در خطبه‌های نماز جمعه گفت: "خانواده‌های جان‌باختگان بدهکار انقلاب بودند." مصاحبه یکی از خانواده‌های قربانیان با روزنامه‌های داخل ایران نیز مؤید شلیک عمدی به هواپیمای مسافربری اوکرائینی و قتل ۱۷۶ سرنشین آن است. زهرا مجد و محسن اسدی لاری، مدیر کل امور بین‌الملل وزارت بهداشت در زمان ریاست جمهوری روحانی که دو فرزند خود را در این حادثه از دست داده‌اند در مصاحبه با روزنامه‌های "شرق" و "انصاف‌نیوز"، به ملاقات با سلامی، فرمانده کل سپاه در بهمن ۹۸ اشاره می‌کنند. به گفته آن‌ها، سلامی در این دیدار گفته است: "اگر این هواپیما نمی‌افتاد، جنگ سختی همان روز بعد اتفاق می‌افتاد. آمریکا حمله می‌کرد و جان ده میلیون نفر به خطر می‌افتاد." پس از این مصاحبه‌ها نیز کلیبی در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد با عنوان "تو بودی، می‌زدی؟" در این کلیپ از چند جوان پرسیده می‌شود، هنگام تصمیم‌گیری "میان مرگ ۲۰۰ تن و مرگ ۵۰۰۰ تن" کدام یک را انتخاب می‌کنید. پاسخ برخی از این جوانان فریب‌خورده "انتخاب مرگ ۲۰۰ تن" بوده است. هرچند یکی از این جوانان بعداً در گفتگو با "دیدهبان ایران" از تمهیدات و حیل‌هایی گفته است که آن‌ها را واداشته بگویند "اگر ما هم بودیم به سمت هواپیما موشک شلیک می‌کردیم."

هرچند رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی تهیه این کلیپ را تکذیب کرده و حتی مدعی "سوءاستفاده" از نام و آرم شبکه خبر شده‌اند، اما با شناخت از جمهوری اسلامی به احتمال زیاد این مصاحبه، از جمله سناریوسازی‌های رژیم برای توجیه جنایت خود پس از افشاکاری‌هاست. در صفحه ۵

زنده باد سوسیالیسم

هشدار معلمان به "دولت و مجلس"

خود در احقاق حقوق همکاران و دانش آموزان در دستیابی به آموزشی کیفی و رایگان پای



می‌فشارد و طبقاتی شدن آموزش را به شدت محکوم می‌کند.

یکی دیگر از مطالبات مهم معلمان، پایان دادن به پرونده‌سازی علیه معلمان، بازگشت به کار معلمان اخراجی و آزادی معلمان دربند است. هم‌اکنون تعدادی از معلمان به خاطر فعالیت‌های صنفی و دفاع از مطالبات صنفی، به حبس، اخراج و تبعید محکوم شده‌اند. قطعنامه پایانی ۲۳ دی‌ماه، یکبار دیگر سیاست سرکوبگرانه رژیم را علیه معلمان محکوم کرده و خواهان "آزادی معلمان دربند و مختومه شدن پرونده فعالان صنفی و توقف احضار و بازجویی معلمان توسط حراست‌ها و نهادهای امنیتی" شده است.

معلمان با برپائی تجمعات و تظاهرات پی‌درپی، به رژیم حاکم بر ایران نشان داده‌اند که تا تحقق کامل مطالبات خود، مبارزه را پیگیرانه ادامه خواهند داد و چنانچه این مطالبات اجرا نشوند، به اشکال عالی‌تری از مبارزه، از نمونه اعتصابات سراسری روی خواهند آورد.

از همین روست که قطعنامه پایانی تجمعات ۲۳ دی‌ماه به مجلس و دولت هشدار داده و اعلام کرده است "هیچ بهانه‌ای اعم از تحریم، به خطر افتادن امنیت ملی، زمینه برای سوء استفاده بیگانگان و معاندان و بهانه‌هایی از این دست برای هیچ شخصی قابل‌پذیرش نبوده چرا که دست غارتگران و متجاوزان به حقوق ملت برای آحاد جامعه به ویژه فرهنگیان کاملاً رو شده است. بنابراین بی توجهی به مطالبات معلمان بازنشسته و شاغل و عدم تمکین به خواسته‌های ایشان به گسترده‌تر شدن اعتراضات معلمان و دانش آموزان منجر شده و به دولت و مجلس هشدار می‌دهد هر چه سریع‌تر و بدون فوت وقت بحث همسان‌سازی و رتبه‌بندی قانونی و کامل را اجرا و بیش از این منزلت و معیشت معلمان را به بازی نگیرد چراکه با موج جدید و بسیار گسترده‌تری از اعتراضات و اعتصابات نامحدود مواجه خواهند شد."

سوادآموزی، معلمان خرید خدمات آموزشی و معلمان شاغل در بخش خصوصی در ایران وجود دارد که در شرایطی اسفبار تر به سر می‌برند و سیاست خصوصی‌سازی آموزش، آن‌ها را در وخیم‌ترین شرایط معیشتی و بی حقوقی قرار داده است.

فقط اشاره شود که به گفته یکی از اعضای کمیسیون آموزش مجلس، حدود ۳۲ هزار معلم خرید خدماتی در ایران وجود دارد. این معلمان، در ازای دستمزد ناچیز برای شرکت‌های خصوصی موسوم به شرکت‌های آموزشی کار می‌کنند. آن‌ها نه فقط هیچ امنیت شغلی ندارند، بلکه در منتهای فقر و بی حقوقی به سر می‌برند. این معلمان، کارگران قراردادی موقت پیمانکاری‌ها هستند که به حساب ساعات کار، دستمزد دریافت می‌کنند، اما از هرگونه مزایای کارگری محروم‌اند و روزهای تعطیل نیز هیچ حقوقی نمی‌گیرند. اخیراً نیز ساعات تدریس آن‌ها از ۴۴ ساعت به ۲۴ ساعت در هفته کاهش یافته است. دستمزد این معلمان چنان ناچیز است که به حداقل دستمزد مصوب دولتی هم نمی‌رسد و از بیمه کامل نیز محروم‌اند. این بی حقوقی و ستمگری بر این گروه از معلمان از نتایج



خصوصی‌سازی نظام آموزشی کشور است. این معلمان خواهان حذف شرکت‌های واسطه‌ای و استخدام رسمی در آموزش‌وپرورش‌اند، اما وزارت آموزش‌وپرورش به بهانه‌های مختلف از استخدام آن‌ها سرباز می‌زند. در قطعنامه پایانی تجمعات اعتراضی دی‌ماه، از تحقق خواسته‌های این بخش از معلمان نیز دفاع شده و بر "ایجاد امنیت شغلی و استخدام رسمی تمام بخش‌های مختلف نیروی کارآموزشی" تأکید شده است. شورای هماهنگی اساساً خواستار برچیده شدن بساط خصوصی‌سازی و کالایی شدن آموزش است و از آموزش رایگان دفاع می‌کند تا فرزندان مردم زحمتکش نیز بتوانند به آموزش رایگان دسترسی داشته باشند. در همین قطعنامه تأکید شده است که شورای هماهنگی بر "پیمان

شرارت‌های جمهوری اسلامی برای رهایی از سرنگونی عمدی هواپیمای اوکرائینی

در مصاحبه‌های دیگر، محسن اسدی لاری، یکی از مدیران رده بالای سابق جمهوری اسلامی، اکنون داغدار فرزندان از فشارها بر خانواده‌های جان‌باختگان از ناامیدی از رسیدگی به پرونده این جنایت و از "سرنگونی عمدی" هواپیمای سخن می‌گوید. لاری در گفتگو با "انصاف‌نیوز" می‌گوید: "ولی ما واقعاً به این نتیجه رسیدیم که اینها به عنوان سپر انسانی هواپیمای را زدند؛ خیلی رک بگویم، چون الان پیچیده و بارها هم گفته‌ایم، شاید می‌خواستند بزنند و بندازند گردن آمریکا. کم‌اینکه این کار را قبلاً در اقدامات مشابهی هم انجام داده بودند." ناگفته نماند لاری که به احتمال زیاد به علت مقام اجرایی پیشین به گفته خودش "اطلاعات زیادی از پرونده" و "شواهدی" دارد، حتا اکنون و ماتم‌دار قتل دو فرزند، باز هم از گفتن همه حقایق و همه دانسته‌ها خودداری می‌کند. گویا هنوز بنا به عادت مقامات و مدیران جمهوری اسلامی حقوق ویژه‌ای در دسترسی به "شواهد و اطلاعات" قائل است که برای سایر خانواده‌ها و مردم ایران قائل نیست. با وجود این، سوگ فرزندان او را نیز به انبوه پرشماری افزوده که بیش از ۴۰ سال است که دادخواه عزیزان از دست رفته‌شان هستند.

باری، پاره‌ای از گفته‌ها، گفتارها و رفتارهای متناقض مسئولان حکومت در دو سال گذشته ابعاد این جنایت را آشکارتر کرده است. در این فاصله، فرضیه‌ی استفاده از جان مسافران هواپیمای اوکرائینی به عنوان "سپر انسانی" در برابر واکنش احتمالی آمریکا سست‌تر شده و بر این یقین دامن زده شده است که هواپیمای اوکرائینی عمدی و با هدف نسبت دادن آن به آمریکا یا "جنگ نامتقارن" و حملات هکری سرنگون شده است، اما با عدم واکنش آمریکا در برابر موشک‌پرانی‌ها، رژیم در دامی گرفتار شده است که خود پهن کرده بود و اینک، دو سال پس از آن، از توسل به هیچ شرارتی برای رهایی از این دام شرم ندارد.

این فاجعه دردناک بار دیگر نشان می‌دهد تا زمانی که جمهوری اسلامی پابرجاست، امنیتی وجود ندارد. برای هیچ کس، در هیچ کجای ایران یا جهان. نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی برای بقای خود از ارتکاب هیچ جنایتی ابا ندارد و هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد. اگر این حادثه غمبار جان ۱۷۶ انسانی را گرفت که برای زندگی یا تحصیل به خارج از کشور می‌رفتند، در پاندومی کرونا ده‌ها هزار انسانی را قربانی کرد که تنها "جرم" آنان زندگی در جغرافیایی به نام ایران بود. هر روزی که از عمر این رژیم می‌گذرد تنها بر شمار قربانیان افزوده می‌شود و بر شمار خانواده‌های داغدار. باید برای بستن پرونده جنایت‌های این رژیم، اقدامی کرد، اقدامی فوری و بنیادین.



حاکمیت در زمین "سخت" گیر کرده و نهادهايش همديگر را "شاخ" می زنند

پرهیز از برانگیختن خشم انفجاری مردم، همدیگر را "شاخ" می زنند و توپ را به زمین دیگری پرتاب می کنند.

نمونه آشکار چنین سر در گمی و گرفتار شدن جمهوری اسلامی در زمین سخت را می توان در بیانیه تعداد کثیری از نمایندگان مجلس ارتجاع اسلامی دید که برای برون رفت از کشمکش های درونی مجلس به اصطلاح "یک دست"، خواهان دخالت قوه مجریه و قضائیه در سرکوب فضای مجازی شده اند. ۱۸۰ نماینده مجلس در بیانیه ای که روز چهارشنبه ۲۲ دی ماه سال جاری توسط علی کریمی فیروزجایی در صحن علنی مجلس قرائت شد، از قوه مجریه و قضائیه خواستند که با "سوء استفاده از امکانات فضای مجازی" و "الجام گسیختگی رسانه های اجتماعی" برخورد کنند و منتظر قانون "حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی" نباشند. این تعداد از نمایندگان مجلس ارتجاع اسلامی در بیانیه خود یادآور شده اند: "از دولت و دستگاه قضایی انتظار داریم، رسیدگی به یورش بی امانی که با سوءاستفاده از امکانات فضای مجازی و اشاعه انواع هتاک، افتراء، اکاذیب علیه مقدسات، فرهنگ و ثبات اجتماعی انجام می گیرد را موکول به تصویب قانون حمایت از کاربران نکنند و با اتکاء به وظایف ذاتی خود در جلوگیری از این تجاوز به حقوق عمومی اقدام نمایند".

آنچه نمایندگان مجلس ارتجاع را به استیصال و ناتوانی در تصویب طرح محدودسازی فضای مجازی کشانده است، همانا شرایط سیاسی جامعه و نگرانی از انفجار خشم عمومی توده های مردم ایران و تضاد منافع در مواجهه با تصویب این طرح است. طرحی که دست کم ۱۸۰ نماینده مجلس، به رغم اینکه خواهان محدودسازی فضای مجازی هستند، اما با توجه به شرایط ملت‌هت و انقلابی جامعه فعلاً نمی خواهند ننگ تصویب چنین طرح سرکوبگرانه ای به نام آنان ثبت گردد. لذا، برای برون رفت از کشمکش های درونی موجود میان جناح های مختلف مجلس به اصطلاح "یک دست" و پرهیز از بروز خشم و نفرت متراکم توده های مردم ایران، موقتاً پا پس کشیده اند و از "دولت و دستگاه قضایی" خواسته اند تا "با اتکاء به وظایف ذاتی خود" در سرکوب فضای مجازی پیش قدم شوند. واقعیت این است که بحث فیلترینگ و مسدود کردن فضای مجازی و کنترل کاربران آن، بحث دیروز و امروز جمهوری اسلامی نیست. از زمانی که توده های وسیع مردم ایران در ابعاد چند ده میلیونی به شبکه های اینترنتی و فضای مجازی دست یافتند، زنگ خطر برای پایان تک صدایی طبقه حاکم به صدا درآمد. با گسترش اینترنت و ایجاد شبکه های مجازی مختلف،

فضای تک صدایی مورد نظر جمهوری اسلامی که برای چند دهه بر جامعه حاکم بود، شکسته شد. با شکسته شدن این فضا، روایت های یک سویه و جعلی دستگاه های تبلیغاتی رژیم کارکرد خود را از دست داد و کاربران فضای مجازی با استفاده از امکانات رایج اینترنتی، اخبار دروغین و تاریخ سازی جعلی طبقه حاکم را به چالش گرفتند. در سال های گذشته، مردم ایران و به ویژه فعالان سیاسی و کنشگران اجتماعی با در اختیار داشتن یک تلفن هوشمند، هر یک به شهروند- خبرنگارانی تبدیل شدند که توانسته اند در کمترین زمان ممکن وقایع و حوادث سیاسی - اجتماعی جامعه را به دور از جعلیات حاکمیت با دیگران به اشتراک بگذارند. در پرتو چنین شرایطی مقاومت زنان در مقابله با اوباشان امر به معروف و نهی از منکر رژیم به چشم جهانیان پدیدار شد. مبارزات، کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر لایه های اجتماعی جامعه در ابعاد میلیونی بازتاب یافت، شعار مرگ بر خامنه ای و لگدمال شدن عمامه جهل و جنایت و خرافات روحانیت مرتجع در عرصه های وسیع انعکاس یافت.

روند چنین شرایطی برای حاکمان سرکوبگر و مستبدی که طی دهه های متمادی، جامعه و مردم ایران را از دست یابی به حقیقت باز داشته اند، آشکارا به مردم دروغ گفته اند، در مدارس و دانشگاه جعلیات را ترویج کرده اند، صدا و سیما را به تریبونی برای پخش مصالحه های اجباری زندانیان شکنجه شده تبدیل کرده اند، خرافات دینی و مذهبی را در متن جامعه پراکنده اند، مبارزات دلیرانه مردم ایران را اغتشاش گری و جوانان مبارز و سلحشور را "اراذل" و "اوباش" خوانده اند، روشن است تحمل روشنگرانه چنین فضایی برای خامنه ای و طبقه حاکم تا چه حد دشوار و تا چه میزان آزار دهنده است.

سخنان مکرر خامنه ای در مورد "ول" بودن فضای مجازی و دستور العمل های او برای مسدود کردن بیشتر این فضا، بیان روشن این حقیقت است که فضای مجازی موجود همانند خاری در چشم خامنه ای و کل هیئت حاکمه ایران است.

خامنه ای در روز ۱۱ اردیبهشت ۹۸ طی سخنانی در تلویزیون شبکه یک، با نگرانی نسبت به فضای مجازی موجود به مسئولان نظام هشدار داد و گفت: "دشمنان از ناحیه فضای مجازی دارند برنامه ریزی می کنند. دارند برنامه ریزی می کنند برای اینکه به نظام ضربه بزنند". او مشابه همین سخنان را در روز اول فروردین ۱۴۰۰ به گونه ای دیگر تکرار کرد و گفت: "همه کشورهای دنیا، بر فضای مجازی اعمال مدیریت می کنند، اما در کشور ما، برخی به رها بودن فضای مجازی افتخار می کنند در حالی که

این شیوه به هیچ وجه افتخار ندارد". به دنبال این سخنان خامنه ای بود که اعضای مجلس کنونی، در مرداد ماه گذشته با مطرح کردن طرح موسوم به "صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی"، تلاش کردند تا به سانسور پایه ای اینترنت جنبه رسمی و قانونی بدهند. اما واکنش های اعتراضی نسبت به این طرح، حتی در درون لایه های از حاکمیت آنچنان بالا گرفت که نمایندگان مجلس در یک اقدام صوری نام آن را از "صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی" به "حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی" تغییر دادند. اما این تغییر نام نیز هیچ کمکی به نمایندگان مجلس در تصویب این طرح سرکوبگرانه نکرد و در نهایت مجدداً باقر قالیباف، رئیس مجلس ارتجاع اسلامی به دلیل عدم امکان تحقق این طرح به لحاظ فنی و تکنیکی، طرح را برای بررسی بیشتر به مرکز پژوهش های مجلس فرستاد. مرکز پژوهش های مجلس نیز با گرفتن ایرادات متعدد، طرح "حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی" را جهت بازنگری به نمایندگان مجلس عودت داد.

با مجموعه ایرادات وارده بر طرح از طرف مرکز پژوهش های مجلس، یازدهمین نشست کمیسیون مشترک برای بررسی ایرادات طرح "حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی" در روز دوشنبه ۶ دی ماه برگزار شد. اعضای این کمیسیون ضمن ابراز نارضایتی و انتقاد از نامه مرکز پژوهش های مجلس در مورد ایرادات طرح موسوم به "صیانت"، بار دیگر نام طرح را تغییر دادند و نسخه جدید را با عنوان "نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی" منتشر کردند. این اقدام آنان نیز میسر نشد و نمایندگان مجلس اسلامی سرانجام آتش طرح محدود سازی فضای مجازی را که طی یک سال گذشته بار گذاشته بودند، برای پختن و هم زدن به سال بعد موکول کردند. در پی این رفت و برگشت ها، کشمکش ها و سردرگمی های موجود بود که ۱۸۰ نماینده مجلس، موقتاً از تصویب طرح موسوم به "صیانت" عقب نشینی کرده و توپ محدود کردن اینترنت را به زمین دولت و دستگاه قضایی پرتاب کردند. اینکه خامنه ای و مجموعه نهادهای منتصب به او خواهان فیلترینگ فضای مجازی هستند، کمترین تردیدی در آن نیست. اینکه نمایندگان مجلس ارتجاع اسلامی خواهان کنترل و محدودسازی فضای مجازی هستند، در این نیز تردیدی نیست. منافع کل حاکمیت و منافع این نمایندگان فاسد و دزد و غارتگر ایجاب می کند تا فضای مجازی مسدود گردد. آنان برای جلوگیری از برلما شدن اختلاس و دزدی و فساد حاکم بر خود و کل حاکمیت، همواره تلاش کرده اند تا با تصویب قوانین سرکوبگرانه، مطامع خود و کل نظام را رسمی و قانونی کنند. حتی نمایندگان دوره پیشین مجلس ارتجاع نیز تلاش در صفحه ۷

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی
و قیام مسلحانه برانداخت**



سازمان فدائیان (اقلیت)

تهدید جانی علیه اعضای رهبری

حزب کمونیست ایران را به شدت محکوم می کند.

در تاریخ ۱۹ دی ۱۴۰۰ (۹ ژانویه ۲۰۲۲) نامه ای از طرف دبیرخانه کومله حزب کمونیست ایران با امضای جمال بزرگپور (مسئول دبیرخانه کومله) در فضای مجازی منتشر شد. مضمون این نامه در مخالفت با ورود ۷ تن از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به اردوگاه مرکزی کومله در شهر "زرگویز" نوشته شده است. در این نامه، با ادبیاتی تهدید آمیز ضمن هشدار به ورود اعضای رهبری حزب کمونیست ایران به اردوگاه مرکزی کومله، از آنان خواسته شده است تا "برای جلوگیری از هر اتفاق ناگواری باید اردوگاه را ترک کنند و در شهر سلیمانیه مستقر شوند... اگر آنان حاضر به قبول آنچه ما می گوئیم نشوند (که به احتمال زیاد قبول نخواهند کرد) و بر استقرار خود در اردوگاه پافشاری کنند، مسئولیت هر پیش آمد ناگوار را بر عهده خواهند داشت".

نامه دبیرخانه کومله با تاکید ضمنی به غیر قابل کنترل بودن پیشمرگان مسلح کومله در اردوگاه "زرگویز"، در توضیح "هر پیش آمد ناگوار" برای کادر رهبری حزب کمونیست ایران نوشته است: "اما آنچه که جای نگرانی است و از هم اکنون نیز قابل مشاهده است، ایجاد تنش در سطح تشکیلات علنی و مسلح است. تنشجی که ممکن است عوارض و عواقب ناگواری به دنبال داشته باشد".

چند سالی است اختلافات درونی سیاسی و تشکیلاتی کومله و حزب کمونیست ایران آشکارا برملا شده و به رغم اینکه جدایی آنان به طور رسمی در سطح جنبش اعلام نشده است، اما چند ماهی است که هر یک از دو جناح به طور علنی خط سیاسی و تشکیلاتی خود را در سطح جنبش پیش می برند. اکنون در آستانه جدایی و انشعاب، با ورود هفت تن از اعضای رهبری حزب کمونیست ایران به اردوگاه مرکزی کومله - که در واقع از سه دهه پیش تا به امروز اردوگاه مشترک حزب و کومله بوده است- دبیرخانه کومله به بهانه اینکه اردوگاه محل پیشمرگان مسلح غیر قابل کنترل است، عملاً زمینه های "آتش به اختیار" و شلیک به رهبران غیر مسلح حزب کمونیست ایران را که همانا رفقای مبارزاتی چهل و چند ساله آنان هستند، فراهم کرده است. اقدامی ماجراجویانه و غیر قابل تصور که حتی بیان ضمنی آن نیز سخت و ناگوار است.

سازمان فدائیان (اقلیت) نامه تهدیدآمیز دبیرخانه کومله علیه هفت تن از رهبران حزب کمونیست ایران را که برای پیشبرد برنامه های سیاسی - تشکیلاتی خود وارد اردوگاه مرکزی کومله در "زرگویز" شده اند، اقدامی تحریک آمیز و تهدیدی مستقیم علیه جان آنان می داند.

سازمان فدائیان (اقلیت) این اقدام دبیرخانه کومله را به شدت محکوم کرده و تاکید دارد که مسئولیت هرگونه تعرض به جان کادر رهبری حزب کمونیست ایران و بروز "هر پیش آمد ناگوار" علیه آنان مستقیماً بر عهده تنظیم کنندگان این نامه است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه داری

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۴۰۰ دی ۲۳

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

حاکمیت در زمین "سخت" گیر کرده و نهادهایش همدیگر را "شاخ" می زنند

کردند تا منویات خامنه ای را در مسدود کردن فضای مجازی عملی سازند، اما در نهایت پا پس کشیدند و موضوع را به نمایندگان دوره کنونی واگذار کردند.

آنچه اکنون شرایط را برای طبقه حاکم در محدود کردن فضای مجازی مشکل کرده است، آنچه ۱۸۰ نماینده مجلس اسلامی را بر آن داشت تا توپ را به زمین "دولت و دستگاه قضایی" پرتاب کنند، علاوه بر شرایط انفجاری جامعه و مخالفت عمومی کاربران اجتماعی، همانا مخالفت شدید بخش هایی از لایه های میانی جامعه و نیروهای طرفدار حاکمیت است که از امکانات اینترنتی برای ایجاد شغل و تامین منابع مالی و اقتصادی خود بهره می برند. در ماه های گذشته، نگرانی از واکنش انفجاری جامعه نسبت به محدود سازی اینترنت تا بدان حد بالا بوده است که روزنامه شرق وابسته به "اصلاح طلبان" حکومتی، به هنگام رای گیری این طرح در روز پنجم مرداد ۱۴۰۰، طی گزارش نوشت: "بهارستان نشینان می دانند با گرفتن اینترنت از مردم از یک سو با چه واکنش هایی از طرف مردم مواجه خواهند شد و از سوی دیگر همان گونه که در نامه وزیر ارتباطات به رئیس مجلس قید شده، معضلی جدید در اعتمادسازی به نظام حکمرانی فضای مجازی کشور ایجاد خواهد شد".

در واقع شرایط انفجاری جامعه، مخالفت های عمومی با طرح "صیانت"، نگرانی از گسترش اعتراضات توده ای، خالی بودن خزانه دولت، گرفتار شدن حاکمیت در زمین سخت، تشدید شکاف در بلایی ها و شاخ پرانی های نهادهای حکومتی برای همدیگر، مجموعه عواملی هستند که عملی کردن طرح محدود سازی فضای اینترنتی را در شرایط کنونی برای طبقه حاکم اگر نگوییم غیر ممکن، دست کم بسیار دشوار کرده است.



سیاست‌های اقتصادی طبقه حاکم سفره محقر کارگران و زحمتکشان را هدف گرفته است

کنید. آستانه تحمل مردم چنین اجازهای را به ما نمی‌دهد. آیا تنها راه حل جبران کسری بودجه دست کردن در جیب مردم است؟ به دولت آقای رئیسی هشدار جدی می‌دهیم که جامعه مستعد تحمل چنین تورمی نیست. جامعه را دچار التهاب نکنید، شرایط منطقه را بسنجید".

پیش از این نیز ایزدخواه دیگر نماینده مجلس اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگاری دولتی "ایلنا" لایحه بودجه ۱۴۰۱ کابینه رئیسی را با بودجه دوران ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی در ایجاد تورم افسارگسیخته و فشار به گروه‌های کم‌درآمد جامعه تشبیه کرده بود. او همچنین گفته بود: "یارانه جلوی افسارگسیختگی تورم را نمی‌گیرد و در این شرایط دولت مجبور است با بازار چکشی برخورد کند و این رویکرد نیز دوباره لطمه می‌زند و فضای امن را از بین می‌برد".

او همان چیزی را هشدار داده بود که رئیسی در روز چهارشنبه از آن پرده برداشت. وی در جلسه هیات وزیران گفت: "به هیچ‌وجه اجازه ندهید قیمت کالایی افزایش پیدا کند. دستگاه‌های مختلف هر امکاناتی اعم از نیرو و اختیارات را که نیاز دارند اعلام کنند و در مقابل مکلف هستند که به‌طور قاطع مانع هرگونه افزایش قیمت شوند". او در این سخنان ضمن آن که خواستار برخورد چکشی برای کنترل قیمت‌ها شد، ناخواسته به افزایش قیمت کالاها در روزهای اخیر نیز اعتراف کرد. او اما سه روز قبل در جلسه مجلس اسلامی برای تصویب کلیات بودجه برعکس از کاهش تورم سخن گفته بود. وی در آن جلسه گفت: "تورم که در تاریخ ۵۰ ساله کشور بی‌نظیر بود، امروز سیر آن نزولی شده است و باید این‌ها به کاهش قیمت‌ها بینجامد".

سخنان ابراهیم رئیسی در جلسه هیات وزیران بیانگر دست خالی جمهوری اسلامی در مهار تورم و گرانی افسارگسیخته است و این همه در حالی‌ست که سیاست‌های جمهوری اسلامی که در لحظه‌ی کنونی به‌ویژه منتج از بحران مالی رژیم است، نقش بسیار مهمی در شتاب تورم در ماه‌های اخیر داشته است. میرکاظمی رئیس سازمان برنامه و بودجه در سخنان خود در مجلس اسلامی در جریان تصویب کلیات لایحه بودجه به‌وضوح این موضوع را آشکار ساخت. او با بیان این‌که در صورت تحقق فروش روزانه ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت با قیمت ۶۰ دلار، کل درآمد دولت از فروش نفت و میعانات بعد از کسر سهم صندوق توسعه ملی (قلک خامنه‌ای)، شرکت ملی نفت و سه درصد سهم مناطق محروم ۱۶ میلیارد دلار خواهد بود و دولت باید از این ۱۶ میلیارد دلار ۳۸۰ هزار میلیارد تومان درآمد کسب کند!!! او به صراحت گفت که علت اتخاذ این تصمیمات نداشتن ارز است. وی از نمایندگان مجلس خواسته بود تا کلیات لایحه بودجه را تصویب کنند، چرا که "مردم نباید احساس کنند مجلس و دولت (کابینه) در مقابل هم هستند!"

البته اخبار صادرات نفت ایران، برخلاف سخنان

رئیسی و وزیر نفت‌اش که مدعی افزایش ۴۰ درصدی صادرات نفت در ماه‌های اخیر شده‌اند، حاکی از آن است که در سه ماهه آخر سال ۲۰۲۱ میزان صادرات نفت ایران حتا کاهش داشته و از ۶۴۱ هزار بشکه در روز به ۵۸۲ هزار بشکه رسیده است و در صورت ادامه تحریم‌ها و به نتیجه نرسیدن مذاکرات احتمالا میزان صادرات نفت باز هم کاهش می‌یابد. در واقع تنها امید رژیم برای آن‌که از فشار بحران مالی کمی بکاهد، لغو تحریم‌ها و فروش نفت است. اما به خاطر عدم اطمینان از به نتیجه رسیدن مذاکرات برجام و معضل مالی رژیم، هر روز شاهد اعلام سیاست اقتصادی جدیدی از سوی مقامات کابینه رئیسی هستیم. یک روز صحبت از "بنزین برای همه" می‌کنند و روز دیگر "خرید نان با کارت بارانه"، تمام طرح‌هایی که در یک هدف مشترک هستند، دست کردن در جیب مردم برای کاهش بحران مالی رژیم.

حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی و تعیین قیمت ۲۳ هزار تومان برای هر دلار در لایحه بودجه، یکی از مواردی‌ست که اختلافات زیادی را در درون هیات حاکمه شکل داده است. حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی در حالی‌ست که این ارز به‌طور محدود و فقط برای چند قلم کالا اختصاص می‌یافت و ارز ۴۲۰۰ تومانی بسیاری از کالاها از جمله روغن و برنج پیش از این حذف شده بود. اما اکنون وضعیت مالی جمهوری اسلامی به‌گونه‌ای‌ست که حتا قادر به تامین ارز مورد نیاز همان چند قلم کالا، یعنی دارو، نان و نهاده‌های دامی نیز نیست.

حاجی بابایی رئیس کمیسیون تلفیق مجلس در یک برنامه تلویزیونی گفت "در حالی که در بودجه ۱۴۰۰ اختصاص هشت میلیارد دلار ارز بودجه ۴۲۰۰ تومانی به تصویب رسیده بود اما این رقم تا پایان سال به ۱۹ میلیارد دلار می‌رسد، در

صورتی که کل درآمد ارزی دولت کمتر از ۱۹ میلیارد دلار است". در همین برنامه تلویزیونی پورمحمدی معاون سازمان برنامه و بودجه از افزایش هزینه‌های دلاری واردات کالاهای اساسی خبر داد. او گفت: "دولت سالانه حدود ۱۲ میلیون و پانصد هزار تن گندم از کشاورزان خریداری می‌کرد که به دلیل خشکسالی سال گذشته تنها ۴ میلیون و پانصد هزار تن توانست بخرد و بقیه را وارد کردیم. همچنین قیمت نهاده‌های دامی در بازارهای جهانی بین ۶۰ تا ۲۰۰ درصد افزایش پیدا کرد و میزان نیاز ارزی دولت خیلی زیاد شد". او در رابطه با ماه‌های باقیمانده از سال نیز گفت تنها راه این است که ارز ترجیحی (۴۲۰۰ تومانی) کنار گذاشته شود. هم اکنون نیز همه‌ی اخبار حاکی از کمبود نهاده‌های دامی است. به‌گفته‌ی نی‌پور رئیس هیات‌مدیره اتحادیه مرغ تخم‌گذار استان تهران، نهاده‌های دامی حتا با محاسبه ارز نیمایی نیز در بازار پیدا نمی‌شود و دامداران نمی‌توانند نیاز دام‌های خود را تامین کنند. برخی پیش‌بینی‌ها حاکی از رسیدن بهای هر کیلو مرغ به ۸۰ هزار تومان و یک شانه تخم‌مرغ به ۱۱۰ هزار تومان با حذف ارز ترجیحی نهاده‌های دامی است.

در مورد تاثیر حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نیز بارها در نشریه کار به آن پرداخته‌ایم. هم اکنون بسیاری از داروها نایاب و بهای برخی دیگر تا ۵ برابر افزایش یافته است. یکی از نتایج این سیاست، محروم شدن حدود ۸ تا ۹ میلیون نفر از دارو و درمان است که براساس آمارهای رسمی فاقد بیمه هستند. شرکت‌های بیمه نیز از قبیل تامین اجتماعی به دلیل گران شدن داروها، بار این گرانی را بر دوش بیمه شدگان خواهند انداخت، همان‌طور که همین امروز نیز به بهانه‌های گوناگون از پرداخت بسیاری از هزینه‌های درمانی شانه خالی می‌کنند و بدین ترتیب سهم مردم از درمان شدیداً سیر صعودی پیدا می‌کند. چندی پیش روزنامه همشهری گزارشی از وضعیت درمان کودکان سرطانی منتشر کرد. در این گزارش از جمله آمده بود درمان یک کودک سرطانی هفته‌ای حداقل ۸

در صفحه ۹



سیاست‌های اقتصادی طبقه حاکم سفره محقر کارگران و زحمتکشان را هدف گرفته است

می‌شود، اما فعلا با چراغ خاموش. در همین بودجه ۱۴۰۱ و در ردیف درآمدهای دولت ۹۴ هزار میلیارد تومان تحت عنوان "منابع حاصل از اصلاح نرخ گاز" منظور شده است. این در حالی‌ست که کل درآمد دولت از فروش گاز در داخل ۸۴ هزار میلیارد تومان است. اگرچه گفته شده این اصلاح نرخ گاز مربوط به صنایع و پتروشیمی‌هاست، اما باز همگان می‌دانند که این گام اول در تغییر نرخ گاز برای مصرف‌کنندگان خانگی نیز هست. همان‌طور که همان‌کون نیز به بهانه‌ی مصرف بالا، نرخ مصرف برق خانگی را برای مشترکان "پرمصرف" شدیداً افزایش داده‌اند.

در مدت کوتاهی که از عمر کابینه ابراهیم رئیسی می‌گذرد، شاهد اتخاذ سیاست‌های شدیداً ضد کارگری حکومت حتماً نسبت به سال‌های گذشته هستیم. تلاش برای افزایش سن بازنشستگی، افزایش بسیار ناچیز حقوق نسبت به نرخ تورم و تصویب طرح‌هایی همچون "حمایت از کارخانجات و واحدهای تولیدی و صنعتی" همگی حکایت از هجوم سبانه طبقه حاکم به سفره‌های محقر کارگران و زحمتکشان دارد. اما در شرایط انقلابی حاکم بر جامعه، همین سیاست‌ها در عین‌حال موجب انشقاق بیشتر در درون هیات حاکمه شده است. در همین مدت کوتاه به‌گفته‌ی حاجی دلگانی از اعضای هیات رئیسه مجلس اسلامی نامه استیضاح چند وزیر با امضای تعدادی از نمایندگان به هیات رئیسه مجلس ارائه شده است.

واقعیت این است که هیچ‌کدام از این سیاست‌ها و بازی‌های درونی هیات حاکمه، جمهوری اسلامی را نجات نخواهند داد، برعکس، همه‌ی این‌ها نشانه‌ی از رسیدن جمهوری اسلامی به پایان خط هستند.

بدهد. در نتیجه‌ی این طرح مقدار بنزین سهمیه‌ای از روزی ۶۰ میلیون لیتر به حدود ۴۰ میلیون لیتر کاهش می‌یابد و با توجه به مصرف روزانه ۸۵ میلیون لیتر بنزین، ۴۵ میلیون لیتر بنزین با قیمت آزاد به فروش خواهد رسید.

همچنین، اگرچه مقامات جمهوری اسلامی گفته‌اند قیمت نان برای مردم تغییری نخواهد کرد و بهای بنزین آزاد نیز تغییر نمی‌کند، اما همه می‌دانند که تمام این تغییرات به‌منظور برداشتن گام‌های بعدی است. همان‌طور که اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی این سرنویشت را پیدا کرد. ابتدا برای طیف وسیعی از کالاها ارز ۴۲۰۰ تومانی اختصاص یافت. سپس به تعدادی کالای اساسی محدود شد و در ادامه نیز بر این محدودیت‌ها اضافه شد تا حدی که در بودجه ۱۴۰۰ به چند قلم محدود گردید و سقف ارز ترجیحی نیز حداکثر ۸ میلیارد دلار تعیین شد. در نهایت نیز شاهد حذف کامل ارز ترجیحی در بودجه ۱۴۰۱ هستیم.

در مورد بنزین و نان هم همین سیاست حاکم است. حتماً از هم اکنون زمره‌هایی در مورد فروش بنزین آزاد به قیمت فوب خلیج‌فارس از سوی برخی مقامات حکومتی شنیده می‌شود. در مورد نان هم در صورتی که شرایط به جمهوری اسلامی اجازه این کار را بدهد، مدتی بعد از اجرای طرح، احتمالاً برای هر فرد (آن هم پارانمبگیر) سهمیه نان تعیین خواهند کرد و بیش از سهمیه را با قیمت آزاد به فروش می‌رسانند. همین سیاست در مورد آب، برق و گاز نیز دنبال

میلیون تومان برای خانواده هزینه دارد و به همین دلیل بسیاری قادر به درمان کودکان خود نیستند.

حاجی بابایی در همان گفت‌وگوی تلویزیونی گفته بود: پیش‌بینی ما برای سال آینده درآمد ۲۶ میلیارد دلاری صادرات نفت و میعانات است که با استقراض از صندوق توسعه ملی حدود ۱۸ میلیارد دلار دست دولت را می‌گیرد اما به‌گفته‌ی وزیر جهاد کشاورزی سال آینده به ۱۸ میلیارد دلار ارز ترجیحی نیاز است که در این صورت ۴۰۰ هزار میلیارد تومان از درآمدهای دولت کاهش می‌یابد" و او نیز این گونه نتیجه می‌گیرد که تنها راه برای حکومت حذف ارز ترجیحی است.

در مورد کسری بودجه نیز که تا پیش از این ابراهیم رئیسی و وزرای او از صفر بودن آن در بودجه سال آینده خبر داده و آن را افتخار بودجه‌نویسی خود می‌خواندند، امروز حتماً رسانه‌های وابسته به سپاه مانند خبرگزاری تسنیم نیز از کسری بودجه خبر می‌دهند. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش خود از بودجه ۱۴۰۱ می‌نویسد: "بر اساس تعاریف و تعابیر مختلف از کسری، بودجه کشور حدود ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ کسری دارد."

افزایش مالیات نیز با توجه به سیستم سرمایه‌داری حاکم بر ایران، مستقیم و غیرمستقیم، از سوی دولت یا سرمایه‌داران، بر دوش کارگران و زحمتکشان خواهد افتاد. برای نمونه با حذف معافیت شکر از مالیات ارزش افزوده، بهای این محصول درب کارخانه حداقل هزار تومان افزایش می‌یابد، و این افزایش بها را مصرف‌کنندگان خواهند پرداخت. اساساً مالیات غیرمستقیم به ضرر کارگران و زحمتکشان است و بدون شک افزایش این نوع از مالیات نیز سیاستی شدیداً ضد کارگری‌ست.

افزایش حدود ۶ برابری عوارض گمرکی با توجه به وابسته بودن تولیدات داخلی به مواد اولیه و یا کالاهای واسطه‌ای تأثیر مستقیمی نیز بر افزایش بهای تولیدات داخلی و در نتیجه افزایش تورم خواهد داشت. حتماً محصولات کشاورزی نیز به دلایلی بسیار از این افزایش بها متأثر خواهند شد. همان‌طور که تا امروز نیز همین‌گونه بوده است.

طرح‌هایی از قبیل "بنزین برای همه" و یا "خرید نان با کارت پارانه" از دیگر طرح‌های دولت برای کاهش بحران مالی جمهوری اسلامی از طریق خالی کردن جیب مردم است. میرکاظمی رئیس سازمان برنامه و بودجه در گفت‌وگو با سیمای جمهوری اسلامی در رابطه با خرید نان با کارت پارانه گفت: "طرحی برای خرید نان با کارت مخصوص در دست بررسی است.

در این شیوه‌ی خرید نان، همان قیمت قبلی نان از حساب مردم کسر می‌شود، ولی به نانوایان قیمت جدید پرداخت خواهد شد." در رابطه با بنزین نیز جمهوری اسلامی بدنبال آن است که به جای هر ماشینی به هر فرد ۱۵ لیتر ماهانه سهمیه بنزین

اعتصاب و ایجاد تشکلهای مستقل، حق مسلم کارگران است



رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی توأم با سلب آزادی‌های سیاسی مردم ایران، حق اعتصاب و تشکل مستقل را نیز از کارگران سلب نموده است.

حق اعتصاب و ایجاد تشکلهای مستقل کارگری از زمره حقوق اولیه و مسلم کارگران است و باید به رسمیت شناخته شود. کارگران حق دارند در تشکلهای مستقل خویش متشکل شوند و برای تحقق مطالبات خود، دست به اعتصاب و مبارز متشکل بزنند.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان آن است که بلادرتنگ حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری به رسمیت شناخته شود.

**مرگ بر نظام سرمایه‌داری - مرگ بر جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقلیت)**

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

سیاست‌های اقتصادی طبقه حاکم سفره محقر کارگران و زحمتکشان را هدف گرفته است

بازتاب بحران اقتصادی و سیاسی بر طبقه حاکم، بسیار زودتر از آنچه که برخی گمان می‌کردند به ماه عسل "حکومت یک دست" پایان داد. افزایش اختلافات بر سر سیاست‌های اقتصادی و در راس آن‌ها سیاست‌های اقتصادی حاکم بر لایحه بودجه ۱۴۰۱ یک نمونه است که بیش از هر چیز نتیجه بحران مالی جمهوری اسلامی و ترس از گسترش اعتراضات توده‌ای در اثر اجرای برخی از این سیاست‌هاست. تا جایی که

مهدی عسگری یکی از نمایندگان مجلس اسلامی در جلسه بررسی کلیات لایحه بودجه گفت: "مردم تحمل فشار جدید را ندارند لذا نمی‌توان شوک جدید قیمتی به مردم وارد کرد، سفره مردم از برنج خالی شده است. با این وجود شما ارز ترجیحی برنج را حذف کرده‌اید و گوشت قرمز نیز حذف شده است. اکنون می‌خواهید نون و پنیری که در سفره مردم مانده است را نیز حذف

در صفحه ۸

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 954 January 2022



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های
زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که
برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدینوسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد. و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیونهای، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه های خود را بر روی این کانال ماهواره ای پخش خواهد کرد. برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان - اقلیت و شبکه های اجتماعی فیسبوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه های خود را از ماهواره یاه ست پخش می کند.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی / سمبول ریت 27500 .

FEC: 2/3

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و اشنایان خود برسانید .
مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical/ عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی